

## تأثیر اذن بزه‌دیده بر مسئولیت کیفری بزهکار در فقه اسلامی و حقوق ایران<sup>۱</sup>

ابوالفضل الیاسی نیا \*

طیبه عارف‌نیا \*\*

### چکیده

اذن و رضایت بزه‌دیده در وقوع بزه، نمی‌تواند خصیصه‌های خاص یک عمل مجرمانه را بزداید و به عنوان یک علت توجیه‌کننده‌ی جرم مطرح شود، زیرا این امر با اصول کلی حاکم بر قوانین جزا در تعارض بوده، و از طرفی غرض از وضع قوانین، حفظ نظم و رعایت مصالح و منافع عمومی جامعه است، لذا رضایت مجنی‌علیه در خصوص ارتکاب بزه، نمی‌تواند نفوذ حقوقی خود را داشته باشد، تا دلیل بر اباحه‌ی عمل و مانع از اجرای مجازات بشمار آید. اما در مواردی خاص، مقنن عدم رضایت بزه‌دیده را از عناصر اساسی تکوین جرائم محسوب نموده است، به نحوی که تحقق آن مستلزم عدم رضایت بزه‌دیده در وقوع فعل ارتكابی علیه خویش است، بنابراین اذن بزه‌دیده، مانع از ثبوت مسئولیت کیفری آن می‌گردد. در این نوشتار سعی بر آن است تا اهمیت و تأثیر رضایت بزه‌دیده، در مسئولیت کیفری در جرائم از منظر قوانین ایران و آراء فقهای اسلامی مورد تحلیل، ارزیابی و نقد قرارگیرد.

**کلید واژه‌ها:** اذن بزه‌دیده، حکم تکلیفی و وضعی، اسقاط ما لم یجب، آراء فقهای اسلامی

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۸/۰۶/۰۲) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

\*دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد

اسلامی، شهرری، ایران [elyasinia@yahoo.com](mailto:elyasinia@yahoo.com) - [elyasinia@iiu.ac.ir](mailto:elyasinia@iiu.ac.ir)

\*\* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی،

شهرری، ایران [tafarnia@gmail.com](mailto:tafarnia@gmail.com) (نویسنده‌ی مسئول)

## ۱- مقدمه

در تاریخ حقوق جزا، بررسی و تحلیل مثلث بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده از مهم‌ترین محورهای مطالعاتی بوده است. در قوانین جزائی برخی از کشورها، جرائمی وجود دارد که از نظر بزه‌دیده-شناسی، بزه‌دیده‌ی مشخصی نداشته و یا در صورت وجود بزه‌دیده، وقوع فعل مجرمانه بر علیه بزه‌دیده با رضایت و خواسته‌ی وی بوده است، این‌گونه جرائم، «جرائم بدون بزه‌دیده»<sup>۱</sup> خوانده می‌شوند. مانند رضایت شخصی نسبت به ایراد جنایت قتل نسبت به خود، و یا رضایت زن جهت سقط جنین برای خاتمه‌ی بارداری و یارضایت بزه‌دیده در جرائمی، مثل تخریب، إحراق و سرقت اموال وی، نمونه‌هایی هستند که نقش رضایت صاحب‌حق را که پیش از عمل مجرمانه داده، در تحقق جرم به وضوح روشن می‌سازد (گلدوزیان، ۱۳۳۷، ۱۳۸۶). در این جا موضوع «اذن و رضایت بزه‌دیده» و مسائل جنبی آن از قبیل آثار تکلیفی و وضعی اذن و رضایت در جرائم علیه تمامیت جسمانی، تمامیت معنوی و مالکیت و اموال اشخاص از منظر حقوق ایران و آراء و انظار فقهای اسلامی به صورت تحلیلی - توصیفی، تبیین و ارزیابی و نقد می‌شود، و همچنین پاسخ به سؤالاتی از این قبیل که آیا مادری که تمایل به ادامه‌ی بارداری ندارد، با رضایت خود حق سقط جنین دارد؟ آیا مالک می‌تواند رضایت سرقت، تخریب و إحراق اموال خود را به دیگری بدهد؟ آیا در این قبیل موارد، رضایت بزه‌دیده به وقوع بزه بر علیه خود، سبب مشروعیت رفتار مرتکب گردیده، مسئولیت کیفری بزه‌کار مآذون را مرتفع نموده و مانع از تعقیب او در مراجع قضایی می‌گردد یا نه؟ آیا رضایت بزه‌دیده پیش از وقوع بزه از مصادیق اسقاط ما لَمْ یَجِبْ می‌باشد؟ در آغاز لازم است تعریفی از برخی از واژه‌ها و نهادهای حقوقی مرتبط با این نوشتار، در مبحث واژه شناسی به صورت اختصار بیان شود.

## ۲- واژه شناسی

۲-۱- مفهوم رضایت مجنی علیه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> «جرائم بدون بزه‌دیده معمولاً بزه‌دیده‌ی مستقیم ندارند یا با رضایت طرفین صورت می‌گیرند، مانند معتادان، متکدیان، تملک مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع همراه رضایت بین افراد بزرگسال.»

مراد از رضایت بزه‌دیده در این نوشتار، تمایل قلبی و موافقت مجنی‌علیه به این که تعرضی بر خلاف قانون علیه حقوق و آزادی‌های او انجام گیرد (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۱، ۲۷۵)، و در واقع جرمی واقع گردد. فرایند رضایت یک امر باطنی است و به صورت اذن در خارج تبلور می‌یابد، بدیهی است که رضایت مجنی‌علیه می‌بایست پیش از ارتکاب یا حین وقوع جرم بوده، و ناشی از یک اراده‌ی آزاد از سوی عاملی بالغ و مختار و با طیب نفس به وقوع جرم علیه خود تن دردهد، مانند انجام یک عمل جراحی که بیمار پیش از ارتکاب یا حین وقوع عمل جراحی، از روی قصد و اختیار، رضایت خود را به انجام عمل جراحی اعلام نموده است.

### ۲-۲- مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به ترمیم و جبران خسارتی که به موجب عمل عمدی یا سهوی به دیگری وارد کرده است. مسئولیت مدنی زمانی بوجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن ضرر و زبانی به او وارد آورد. مسئولیت مدنی دو قسم است: مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که گاهی آن را مسئولیت تقصیری می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۶۴۵).

### ۲-۳- مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، مسئولیت مرتکب جرمی از جرائم مُصرَّح در قانون را گویند. و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید (همان، ۶۴۲). از نظر حقوق جزا برای تحقق جرم، وجود سوء نیت یا قصد مجرمانه<sup>۱</sup> و یا تقصیر جزایی از ناحیه‌ی مرتکب جرم، برای اثبات مسئولیت کیفری در کلیه‌ی جرائم اعم از عمدی و غیر عمدی الزامی است (شامبیاتی، ۱۳۷۵، ۲، ۲۹).

### ۲-۴- اسقاط ما لم یجب

اسقاط ما لم یجب، یعنی ساقط کردن و ازاله‌ی اثری حقوقی که در زمان ساقط کردن، هنوز اثر اعتباری خود را حاصل نکرده است. مانند ساقط کردن کافه‌ی خیرات (ماده‌ی ۴۴۸ ق.م) که نسبت به خیار تعدر تسلیم، اسقاط ما لم یجب است، زیرا تعدر پس از عقد ممکن است حادث گردد و موجب حدوث خیار شود و حال آن که اسقاط آن را در ضمن عقد شرط می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۷۲).

<sup>۱</sup> قصد مجرمانه یا سوء نیت عبارت است از تصمیم و عزم بر فعل یا ترک فعلی است که قانون‌گذار آن را منع کرده است.

### ۳- تقسیم بندی جرائم

حقوق دانان غالباً در تقسیم بندی‌های خود از جرائم، به عناصر و شرایط تشکیل دهنده‌ی جرم و آثار زیان‌بار فعل مجرمانه توجه کرده‌اند، از آنجا که هر شخصی دارای ابعاد مادی (جسمانی) و معنوی (روانی) است، لذا برخی از جرائم علیه افراد، موجب صدمه و ضرر جسمانی، بدنی، یا مالی می‌شود، و برخی دیگر موجب صدمه و ضرر روحی و اخلاقی و معنوی می‌گردد. منابع حقوقی، جرائم علیه اشخاص را به سه گروه عمده تقسیم بندی نموده‌اند؛ (۱) جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (۲) جرائم علیه اموال و مالکیت (۳) جرائم علیه تمامیت معنوی (شخصیت و شرافت) اشخاص، و آنگاه مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

#### ۳-۱- تأثیر رضایت در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص<sup>۱</sup>

جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، از مهم‌ترین و سنگین‌ترین جرائمی است که از یک طرف حق حیات آدمی و اصل مصونیت از تعدی و تعرض را هدف قرار داده و از طرفی دیگر، امنیت و انتظام جامعه را متزلزل می‌کند، و همواره در قوانین جزایی شدیدترین واکنش کیفری برای آن پیش‌بینی شده است (صادقی، ۱۳۸۰، ۱، ۸۷).

#### ۳-۱-۱- نقش رضایت مجنی علیه در قتل

یکی از مهم‌ترین مباحث جزایی مطروحه‌ی در فقه و حقوق اسلامی، مسأله‌ی رضایت مجنی علیه به قتل خود می‌باشد. آیا انسان می‌تواند به دیگری اذن و یا دستور دهد که از او سلب حیات نماید؟ و اگر شخص با لحاظ رضایت مجنی علیه اقدام به این امر نماید، آیا مسئولیت کیفری از قصاص یا دیه، از مرتکب جرم ساقط می‌شود؟

#### ۳-۱-۱-۱- زمان تحقق حق قصاص

از مباحث اصلی و اساسی باب قصاص که در تحلیل و بررسی تأثیر رضایت و عفو مجنی علیه در قتل عمدی مؤثر می‌باشد، تعیین زمان استقرار و تحقق حق قصاص است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که اگر حق قصاص، برای مقطع زمانی ورود جنایت تا حصول مرگ مجنی علیه شناسایی و اثبات شود، عفو مجنی علیه پیش از مرگ قابل توجیه است، ولی اگر معتقد باشیم که استقرار حق قصاص نفس منوط به تحقق مرگ مجنی علیه است و تا آخرین رمق حیات که باقی است، حق

<sup>۱</sup>Offences against persons

قصاص مستقر نمی‌گردد، در نتیجه رضایت و یا عفو وی از حق قصاص نفس و یا دیه، بی‌اثر و قصاص و عفو، منحصرأ در اختیار اولیای دم خواهد بود. لذا رضایت مجنی‌علیه تأثیری در رفع تقصیر و مسئولیت مرتکب نداشته و نمی‌توان آن را به عنوان یکی از جهات مشروعیت جرم قتل پذیرفت.

### ۲-۱-۱-۳- مالک حق قصاص

در خصوص حق قصاص عضو، در صورتی که عضوی از اعضای مجنی‌علیه مجروح و یا قطع شود، و در این قبیل موارد امکان قصاص وجود داشته باشد، مجنی‌علیه حق مطالبه و یا عفو آن را دارد. حال جای این پرسش است که این قاعده و قانون در خصوص قصاص جان نیز ساری و جاری است؟

در میان فقهای امامیه در خصوص این که اصالتاً مالک حق قصاص نفس، مجنی‌علیه است و یا این حق به اولیای دم تعلق دارد، نظر واحدی ندارند.

### ۱-۲-۱-۳- بررسی نظرات و آراء

با مطالعه در متون فقهی، درمی‌یابیم که گروهی از فقها حق قصاص نفس را نخست و بالذات از حقوق مجنی‌علیه می‌دانند، و این که سبب حق قصاص نفس - و آن جنایتی است که بر مجنی‌علیه وارد آمده است - پیش از مرگ مجنی‌علیه موجود شده است، لذا مجنی‌علیه صاحب حق قصاص است، ولی چون به دلیل فوت، امکان استیفا و اعمال قصاص توسط وی ممکن نمی‌باشد، این حق از طریق ارث به اولیای دم منتقل می‌شود (عاملی حسینی، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ۵۹۴)، و عده‌ای از فقها آن را قدرت و سلطنتی می‌دانند که اصالتاً برای اولیای دم جعل شده است<sup>۱</sup>، و اولیای دم را مالک حق قصاص می‌دانند (حلی محقق، ۱۴۲۵ق، ۴: ۱۱۴).

### ۱-۲-۱-۳- نظرات حقوق دانان

پذیرش هر یک از این دو نظریه، آثار حقوقی متعددی را به همراه دارد، زیرا چنانچه قصاص را حق مجنی‌علیه بدانیم، در صورت عفو مجنی‌علیه، اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه‌ی قصاص یا دیه کنند، و در صورت مبادرت به قصاص، مرتکب جنایتی شده‌اند که خود مستحق قصاص‌اند (ماده‌ی ۳۶۴ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲).<sup>۲</sup> اما اگر قصاص حق اولیای دم دانسته شود، رضایت و عفو مجنی‌علیه پیش از مرگ، مؤثر نبوده و اولیای دم می‌توانند با وجود عفو مجنی‌علیه، قاتل را قصاص و یا مصالحه کنند. و صراحت ماده‌ی ۳۵۱ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مؤید همین امر است. توجه

<sup>۱</sup> «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهِ سُلْطَاناً». سوره‌ی اسراء - آیه‌ی شریفه‌ی ۳۳  
<sup>۲</sup> ماده‌ی ۳۶۴ق.م.ا: «رجوع از گذشت پذیرفته نیست، اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند، مستحق قصاص

است.»

<sup>۳</sup> ماده‌ی ۳۵۱ق.م.ا: «ولی دم همان ورثه‌ی مقتول است، بجز زوج یا زوجه که حق قصاص ندارد.»

به ماده‌ی ۱۳۶۵ ق.م.ا. گویای آن است که مقنن، حق قصاص (نفس و عضو) را حق بدوی و ذاتاً متعلق به مجنی‌علیه می‌داند، اما این حق قصاص هم‌چون سایر حقوق و اموال وی مطابق ماده‌ی ۳۴۸ قانون فوق‌الذکر به ارث می‌رسد.

## ۲-۱-۱-۳- نظرات فقهای اسلامی

ارزیابی فقهی مسأله‌ی مذکور از دو جهت حکم تکلیفی و وضعی در خصوص ثبوت قصاص و دیه‌ی مقتول و عدم آن، قابل بررسی است، در مرحله‌ی نخست به حکم تکلیفی و سپس حکم وضعی مترتب بر آن، می‌پردازیم

### ۱- حکم تکلیفی<sup>۳</sup>

در حقوق اسلام قتل نفس از گناهان بزرگ قلمداد شده و آیاتی از قرآن، صراحتاً بر حرمت آن تأکید دارد. چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ<sup>۴</sup>» و «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ ..... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا<sup>۵</sup>» با توجه به اطلاق آیات شریفه‌ی فوق‌الذکر و عمومات ادله‌ی حرمت قتل نفس، حکم تکلیفی قاتل، مشمول دلایل حرمت قتل نفس می‌شود، و صرف رضایت مجنی‌علیه، نمی‌تواند سبب تقیید اطلاقات و تخصیص عمومات مذکور گردیده و موجب مشروعیت و جواز فعل گردد، بنابراین با اذن مجنی‌علیه حرمت قتل از بین نمی‌رود (حلی محقق، ۱۴۲۵ق، ۴، ۴۴۰؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲، ۱۷)، و از طرفی چون حرمت، یک حکم است، لذا با رضایت مجنی‌علیه قابل اسقاط نمی‌باشد (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۱۹).

### ۲- حکم وضعی<sup>۶</sup>

فقهای اسلامی در خصوص حکم وضعی رضایت و عفو مجنی‌علیه، نظرات متفاوتی ارائه نموده‌اند، اینک به بررسی دیدگاه‌های آنان می‌پردازیم

## الف) نظریه‌ی عدم تأثیر اذن مجنی‌علیه در سقوط قصاص و دیه (قائلین به وجود حق قصاص برای اولیای دم)

<sup>۱</sup> ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه کند و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد مطالبه‌ی قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات، محکوم می‌شود.»

<sup>۲</sup> ماده‌ی ۳۴۸: حق قصاص، به شرح مندرج در این قانون به ارث می‌رسد.

<sup>۳</sup> منظور از حکم تکلیفی، جواز و عدم جواز است.

<sup>۴</sup> سوره‌ی اسراء - آیه‌ی شریفه‌ی ۳۲ و سوره‌ی انعام - آیه‌ی شریفه‌ی ۱۵۱

<sup>۵</sup> سوره‌ی مائده - آیه‌ی شریفه‌ی ۵

<sup>۶</sup> منظور از حکم وضعی در این بحث این است که آیا با رضایت و عفو مجنی‌علیه پیش از مرگ، حق قصاص و دیه برای اولیای دم باقی است و یا با رضایت و عفو مقتول، ساقط می‌شوند؟

### فقه‌های امامیه

برخی از فقه‌های امامیه معتقدند که اذن مجنی‌علیه به قتل خویش، حق قصاص و دیه را ساقط نمی‌کند، زیرا حق قصاص نفس اولاً و بالذات برای اولیای دم قرار داده شده، و اقتضای آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا<sup>۱</sup>» آن است که سلطنت بر قصاص نفس، حق ولیّ دم است، نه مجنی‌علیه، و همچنین عفو قصاص و دیه از طرف مجنی‌علیه، اسقاط حقی است که هنوز محقق نگردیده، لذا اثری بر اسقاط مجنی‌علیه مترتب نمی‌گردد.

مرحوم کاشف الغطاء در نقدی بر این گفتار: «لَوْ قَالَ رَجُلٌ لآخِرٍ: أُقْتَلَنِي، فَذَمِي حَلالٌ لَكَ، فَقَتَلَهُ، يَجِبُ عَلَي الْقَاتِلِ الدِّيَةُ، لَا الْقِصَاص.» می‌گوید: لَانَعْرِفُ وَجْهًا صَحِيحًا، بَلْ يَجِبُ الْقِصَاصُ. یعنی این رأی و نظر صحیح نبوده، بلکه قصاص نیز واجب است (نجفی کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ۱، ۳۸). مرحوم آیه الله العظمی خوئی معتقدند که قصاص، حق ولیّ است، نه مجنی‌علیه، بنابراین اثری بر اسقاط آن از سوی مجنی‌علیه مترتب نمی‌شود، همچنین اگر مجنی‌علیه، دیه‌ی جان را ساقط نماید، دیه نیز از ذمه‌ی جانی ساقط نمی‌شود، زیرا دیه پس از مرگ ثابت می‌گردد، و اسقاط آن پیش از مرگ، اسقاط ما لم يَجِبْ بوده و اثری بر اسقاط آن مترتب نمی‌گردد (خوئی، ۱۴۲۲ق، ۲، ۱۸۲). آیه الله العظمی وحید خراسانی از فقه‌های معاصر نیز معتقدند در صورتی که قاتل، مختار باشد، أظهر اقوال این است که قصاص ثابت می‌باشد (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ۳، ۵۱۰).

### فقه‌های اهل سنت

از مذاهب اهل سنت، مالکیه نیز معتقد به عدم سقوط قصاص می‌باشد، زیرا مجنی‌علیه حق قصاص را پیش از وجوب آن ساقط نموده است، و ولیّ دم می‌تواند تقاضای قصاص و یا عفو و یا درخواست دیه نماید (جزیری - غروی - مازح، ۱۴۱۹ق، ۵، ۳۹۵).

### ب) نظریه‌ی تأثیر اذن مجنی‌علیه در سقوط قصاص و دیه (قائلین به وجود حق قصاص برای مجنی‌علیه)

#### فقه‌های امامیه

برخی از فقه‌های امامیه معتقدند که حق قصاص و عفو، اصالتاً و بالذات از حقوق بدوی و ملک مجنی‌علیه بوده، بطوری که این حق در آخرین جزء از حیات برای وی ثبوت یافته، و تعلق آن به اولیای دم پس از هلاکت او، از باب توریثی بودن آن است، و همچنین شخص مقتول می‌تواند پرداخت دیه از سوی قاتل را عفو کند (عاملی حسینی، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ۵۹۴؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵، ۱۶۹؛ حلی محقق، ۱۴۲۵ق، ۴، ۴۴۰). و چون مجازات اصلی قصاص است، دلیلی بر دریافت دیه نداریم. و

<sup>۱</sup>سوره‌ی اسراء - آیه‌ی شریفه‌ی ۳۳

علامه‌ی حلی و مقدس اردبیلی، سقوطِ قصاص و دیه را به صراحت بیان نموده‌اند (حلی علامه - ۱۴۱۰ق، ۲، ۱۹۶؛ اردبیلی مقدس، ۱۴۰۳ق، ۱۳، ۳۹۶). برخی از فقهای معاصر نیز سقوط قصاص را راجح‌ترین قول و عدم دیه را بعید نمی‌دانند (خمینی امام، ۱۳۸۳ق، ۴، ۵۱۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۲۹۸). و از نظر مشهور فقها میان قاتل مُکَرَه و قاتل مختار در تعلق حق قصاص به جانی، تفاوتی وجود ندارد، و حکم در هر دو مورد یکی است، اما با این وجود، بر این حکم کلی هم در فقه امامیه و هم در حقوق کیفری ایران یک استثناء وارد شده است و آن اینکه اگر اِکراه به قتل علی‌الاصول از عوامل رافع مسؤولیت کیفری از اِکراه‌شونده نیست (حاجی تبار فیروزجانی؛ فلاح، ۱۳۹۶ش، ۷۲). لذا اگر اِکراه، مجوزی برای قتل نمی‌باشد (عاملی، ۱۴۱۰ق، ۱۰، ۲۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۷، ۱۸۶).

### فقهای اهل سنت

قائلین به مذاهب شافعی (نووی، بی تا، ۱۸، ۴۸۴)، حنبلی (ابن قدامه، المغنی، ۱۴۱۹ق، ۹، ۴۶۷)، حنفی (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ۷، ۱۸۰) فتوا داده‌اند که عفو از قصاص از سوی مجنی‌علیه موجب سقوط قصاص از جانی می‌شود.

## ج) نظریه‌ی تأثیر اذن مجنی‌علیه در سقوط قصاص، نه دیه فقهای امامیه

برخی دیگر از فقهای امامیه به دلیل لزوم احتیاط در دماء و نفوس، و نیز با توجه به این که وجود اذن از طرف مقتول، موجب بروز شبهه در شمول ادله‌ی قصاص می‌شود، لذا به جهت شمول قاعده‌ی: «الْحُدُودُ تُدْرَأُ بِالشُّبُهَاتِ»، حکم به سقوطِ قصاص داده‌اند (عاملی شهیدثانی، ۱۴۱۹ق، ۱۵، ۸۹؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ۴۲۰، ۱۵)، و همچنین علامه‌ی مجلسی و برخی دیگر از فقهای ذیل روایت «إِدْرَؤُا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ» گفته‌اند که قاعده‌ی مذکور، علاوه بر حد، شامل قصاص و تعزیر نیز می‌شود (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ۴۸۲، ۱۶؛ حلی جمال‌الدین، ۱۴۰۷ق، ۴، ۵۷۴؛ بجنوردی، ۱۳۷۹ش، ۱۸۴، ۱). و مراد از شبهات، هر چیزی است که مُشْتَبِه شود، و در حقیقت می‌توان گفت که منظور پیامبر اکرم (ص) معنای اصطلاحی حدود<sup>۱</sup> نبوده، بلکه «مجازات» را اراده فرموده‌اند، بنابراین شامل تمامی مجازات‌ها از حدّ و تعزیر و قصاص می‌شود. در مورد دیات، تمامی فقها اعم از امامیه و اهل سنت معتقدند که قاعده‌ی ذرأ، شامل جرایم مستوجب دیه نمی‌گردد، زیرا دیات از حقوق الناس است (ساداتی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۱۱۷).

شهید اول در خصوص عدم سقوط دیه می‌فرماید: تا مادامی که آخرین رَمَق حیات در مجنی‌علیه

الحدود: هُوَ الْعُقُوبَةُ الْمُقَدَّرَةُ حَقًّا لِلَّهِ تَعَالَى (عوده، بی تا، ۲، ۳۴۳).



باقی است، مالک دیه نمی‌باشد، تا در صورت عفو، ساقط گردد، و اگر عفو نماید، تقدم مسبب از سبب لازم می‌آید، و آن محال است (عاملی، شهید اول، ۱۴۰۰ق، ۱، ۶۹).

### فقه‌های اهل سنت

نظر فقه‌های مذاهب اهل سنت چون حنفی و حنبلی این است که به موجب عفو مجنی‌علیه، قصاص ساقط و پس از هلاکت وی، ورثه حق قصاص قاتل را نخواهند داشت (جزیری - غروی - مازح، ۱۴۱۹ق، ۵، ۳۹۸). و برخی دیگر از جمله، جلال‌الدین سیوطی معتقدند که قصاص با حصول شبهه، همانند حدود، ساقط می‌شود. وی معتقد است که قصاص نیز با شبهه ساقط می‌شود، ولی دیه واجب می‌گردد (سیوطی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۳).

### ۳-۱-۱- تعزیر جانی پس از عفو

هرگاه مجنی‌علیه و یا اولیای دم، جانی را از قصاص نفس عفو نمایند، آیا حاکم صلاحیت مجازات تعزیری جانی را دارد؟

به عقیده‌ی فقه‌های امامیه، با عنایت به قاعده‌ی فقهی؛ «التَّعْزِيرُ لِكُلِّ عَمَلٍ مَحْرَمٍ» هرگاه در قتل، پس از عفو مجنی‌علیه و یا ولی دم، قصاص منتفی گردد، حاکم حق دارد که جانی را مجازات تعزیری نماید (خویی، ۱۴۲۲ق، ۵۵، ۲).

برخی از فقه‌های اهل سنت مانند حنفیه معتقدند که هرگاه جانی از قصاص نفس عفو گردد، بر حاکم اسلامی واجب است که جانی را مجازات تعزیری نماید، و فقه‌های مالکی اعتقاد بر این دارند که حاکم، جانی را باید به ۱۰۰ ضربه تازیانه و یک سال حبس محکوم نماید (ابن رشد، ۱۴۲۵ ق، ۴ : ۱۸۶)، اما به عقیده‌ی فقه‌های شافعی و حنبلی مجازات تعزیری جانی بعد از عفو واجب نمی‌باشد، مگر این که حاکم اسلامی به حسب مصالح جامعه مجازات نماید (جزیری، ۲۰۰۳ م، ۵، ۲۳۴).

### نظر حقوق‌دانان

قانون‌گذار در ضمن ماده‌ی ۳۶۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با پذیرش این نظر که صاحب ابتدایی حق قصاص اصالتاً خود مجنی‌علیه بوده و در صورت رضایت و عفو، اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ مجنی‌علیه، تقاضای قصاص جانی را نمایند، و در صورتی که جانی را عفو ننماید، حق قصاص به وراثت منتقل می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۲۱۰). بنابراین مطابق ماده‌ی اخیرالذکر چون سبب پیدایش

قتل<sup>۱</sup>، یعنی جرح منجر به مرگ، موجود است، و در مواردی که سبب حق ایجاد گردیده، اسقاط آن صحیح می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۱، ۳۸۱). از این رو اگر مجنی‌علیه، حق قصاص خود را بطور مجانی عفو کند، اولیای دم پس از مرگ او حق مطالبه‌ی قصاص و نیز دیه را نخواهند داشت، البته قاضی می‌تواند وقتی اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم جامعه یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران گردد (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ۱۴۰)، با عنایت به مواد ۲۰۸ و ۳۶۱۲ قانون مجازات اسلامی، حبس تعزیری<sup>۴</sup> مربوط به جنبه‌ی عمومی قتل عمدی محکوم نماید.

### ۲-۱-۳- نقش رضایت در سقط جنین جنایی<sup>۵</sup>

در نظام حقوقی ایران با توجه به ماده‌ی ۶۲۴ ق.م.ا. تعزیرات مصوب ۱۳۹۲<sup>۶</sup> در صورتی که زنی برای سقط جنین به پزشک مراجعه و سقط جنین صورت گیرد، رضایت مادر واجد آثار حقوقی نبوده و سالب مسئولیت کیفری مرتکب جرم نخواهد بود، بلکه مسئولیت کیفری طبق بند ۲ ماده‌ی ۵۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ متوجه پزشک می‌گردد، زیرا سقط جنین جنایی از مصادیق عمل طبی نامشروع و یا غیرقانونی است، و مادر به عنوان تسهیل کننده‌ی وقوع جرم، مستوجب کیفر معاونت در جرم سقط جنین، تلقی می‌شود.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> سبب وجوب قصاص و دیه، مرگ نیست، بلکه جنایت منتهی به مرگ است.  
<sup>۲</sup> ماده‌ی ۲۰۸ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران گردد، موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد شد.»

<sup>۳</sup> ماده‌ی ۶۱۲ ق.م.ا. تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید.»  
<sup>۴</sup> تعزیر عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع، تعیین نشده است و به نظر حاکم واگذار شده است (ماده‌ی ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰).

<sup>۵</sup> سقط جنین جنایی، همان نوع از سقط جنین است که به عنوان سقط غیر قانونی شناخته می‌شود، و معمولاً در مراکز غیرمجاز انجام می‌پذیرد، که در مقابل آن سقط درمانی است و آن عبارت از نوعی از سقط جنین است که به موجب قانون و با رعایت شرایط و ضوابط مقرر از سوی قانون‌گذار، بدلیل ناهنجاری‌های ژنتیکی، ناقص‌الخلقه بودن، حفظ سلامت و حیات مادر، مجاز شناخته می‌شود.

<sup>۶</sup> ماده‌ی ۶۲۴ ق.م.ا. تعزیرات مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا به مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.»

<sup>۷</sup> ماده‌ی ۱۲۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

بند «پ» - هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.»

### ۱-۲-۱-۳- نظر فقهای اسلامی

#### ۱-۲-۱-۳- دیدگاه فقهای امامیه

در خصوص دیه‌ی جنین در سنین مختلف آن از دیدگاه فقهای اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد، فقهای امامیه معتقدند که عموماً و اطلاقات حرمت آیاتی از قبیل آیه‌ی شریفه‌ی: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» شامل سقط نمودن جنینی که روح در وی دمیده شده است، می‌گردد، لذا سقط جنین، جایز و مشروع نیست، و مرتکب آن مستحق مجازات است.

سَلَّار از فقهای امامیه می‌گوید: زن بارداری که جنین او کشته شده، بر دو گونه است: یا جنین او دارای خلقت کامل و تام بوده است، پس قاتل آن به سبب این جنایت قصاص می‌شود، و یا جنین دارای خلقت کامل نیست، که در این صورت، دیه پرداخت می‌شود (سَلَّار، ۱۴۰۴ق، ۲۴۲). برخی از فقها در صورت اقدام به سقط جنین پس از دمیده شدن روح، قائل به وجوب کفاره شده‌اند (حلی علامه، ۱۴۲۰ق، ۵۴۲، ۳). بعضی از معاصرین چون مرحوم آیت الله العظمی خویی قصاص را نپذیرفته و حکم به دیه نموده‌اند (خویی محقق، ۱۴۱۰ق، ۱۳۴). حضرت امام خمینی (ره) در خصوص سقط جنین ناقص الخلقه اظهار می‌دارند که ناقص الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین حتی پیش از دمیده شدن روح در آن، محسوب نمی‌شود هم‌چنین سقط جنین فاقد طهارت مولد نیز مجاز دانسته نشده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ۳۹۲).

#### ۱-۲-۱-۳- دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای مذاهب حنفی، مالکی و شافعی سقط جنین را تا پیش از چهل روزه‌گی آن، جایز می‌دانند (الکاسانی، ۱۴۰۶ق، ۷، ۳۵؛ عطوی، ۲۰۰۱م، ۱۹۰؛ شافعی، ۱۹۶۸م، ۲۲۶۹). و مذهب حنبلی معتقد است که پیش از دمیده شدن روح در جنین، سقط آن جایز است (ابن قدامه، ۱۴۱۹ق، ۹، ۵۴۰)، اینان معتقدند که جنین پیش از چهار ماهگی، حیاتی بسان حیات جمادات دارد، لذا سقط نمودن آن، قتل نفس محترم بشمار نمی‌آید (همان، ۱۹۸۹م، ۴، ۸۰۴). اما تمامی مذاهب چهارگانه‌ی فوق، سقط جنین را پس از دمیده شدن روح در آن، جایز نمی‌دانند، زیرا جنین در این مرحله از رشد، از حیات انسانی برخوردار بوده، و از بین بردن آن، مشمول اطلاقات و عموماً ادله‌ی تحریم نفس می‌شود.

#### ۱-۳-۱-۳- نقش رضایت مجنی‌علیه در مورد انتقال بیماری‌های جنسی

اگر شخصی نسبت به مُسری بودن و نیز آثار نامطلوب و مُه‌لک بیماری‌های جنسی آگاهی داشته، و نسبت به وقوع آن علیه خود رضایت دهد، رضایت اولیه‌ی وی می‌تواند سبب مشروعیت فعل مرتکب را فراهم نموده و مانع از تعقیب او در مراجع قضائی و عدم مسئولیت کیفری‌اش گردد، فقها عدم مسئولیت واردکننده‌ی زیان را مستند به اقدام وی بر علیه خود دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۱،

۲۲۱). چون بنا بر قاعده‌ی اقدام<sup>۱</sup>، می‌توان عمل بزه‌دیده را اضرار به خود و اِتلاف نفس خویش به شمار آورد. مثلاً زنی با آگاهی از ابتلای همسرش به بیماری مُسری جنسی ایدز، به انجام رابطه‌ی زناشویی با خود رضایت دهد، و بر اثر آن مبتلا به آن بیماری گردد، چون عمل وی با رضایت و با علم و آگاهی به امکان ابتلاء به بیماری، توأم بوده، از این رو رضایت مجنی‌علیه در ماهیت عمل فوق مؤثر بوده، و از موجبات رافع مسؤلیت کیفری بشمار می‌آید. ولی برخی از حقوقدانان معتقدند از آن جا که غرض از جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه و تأسیس مجازات، حفظ نظم و دفاع از منافع عمومی جامعه است، رضایت مجنی‌علیه رافع مسؤلیت کیفری مرتکب نیست و نمی‌توان آن را اسباب مشروعیت (باهری، ۱۳۸۱، ۲۶۰)، و مانع از اجرای مجازات بشمار آورد.

### ۲-۳- تأثیر رضایت بزه‌دیده در ارتباط با جرائم علیه اموال و مالکیت

در جرائم علیه اموال و مالکیت، چیزی که مورد تجاوز و تعرض واقع می‌شود، مال یا حقوق مالی است، و هر اقدامی که به صورت غیرقانونی موجب خروج حقوق مالکانه از تصرف مالک گردد، جرائم علیه اموال و مالکیت تلقی می‌گردد. در جرائم علیه اموال و مالکیت، عدم رضایت مالک، رکن تحقق جرم است، و وجود رضایت مالک، موجب سلب خصوصیت و وصف مجرمانه از فعل ارتكابی می‌گردد.

#### ۱-۲-۳- نقش رضایت مالک در جرم سرقت

سرقت در اصطلاح حقوقی عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است (ق.م.ا. ماده‌ی ۲۶۷ مصوب ۱۳۹۲). در قانون مجازات اسلامی، رکن اصلی سرقت، ربودن می‌باشد، و در تعریف ربایش هم آمده است «تصرف و اثبات و وضع ید بر مالی بدون اطلاع و رضایت مالک و دارنده‌ی آن» (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ۴۴۴). در جرم سرقت، عدم رضایت مالک از عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم محسوب می‌گردد و تحقق عمل مجرمانه منوط به تصرف و اثبات ید بر مالی بدون وجود رضایت و اطلاع مالک و دارنده‌ی آن است، در همین راستا وقتی تصرف مال دیگری با وجود رضایت مالک آن باشد، وصف مجرمانه از کیفیت ربودن در جرم سرقت، سلب و جرم سرقت تحقق نخواهد یافت. و از طرفی شخص با اقدام خودش، موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است، و فقها عدم مسؤلیت واردکننده‌ی زیان را مستند به اقدام وی بر علیه خود دانسته‌اند (محقق داماد، ۱، ۱۳۹۴، ۲۲۱)، چون بنا بر قاعده‌ی اقدام، می‌توان عمل بزه‌دیده را اضرار به خود بشمار آورد. و همچنین با توجه به مفهوم مخالف قاعده‌ی؛ «مَنْ أْتَلَفَ مَالَ الْغَيْرِ بِإِذْنِ مِئِنَهُ، فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» چنانچه اِتلاف مال دیگری با رضایت مالک صورت گیرد،

<sup>۱</sup> قاعده‌ی اقدام عبارت است از این که هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده‌ی زیان، که شخص دیگری است، مسئول خسارت نخواهد بود. مثلاً فردی مال خود را به کودک و یا دیوانه‌ای بسپارد، و کودک یا دیوانه آن مال را تلف کند، مالک حق رجوع به آن دو را نخواهد داشت، زیرا مالک مال به زیان خود اقدام کرده است، لذا موجب معافیت عامل زیان از مسؤلیت می‌گردد.

مسئولیتی متوجه مُتَلَف نخواهد بود.

به نظر می‌رسد صرف رضایت ظاهری مالک مال در دادن مال خود به دیگری موجب عدم تحقق عنصر ربایش نشود. بنابراین کسی که مالی را به بهانه‌ی دیدن از مغازه‌دار گرفته و فرار می‌کند، از نظر قانون ایران مرتکب عمل ربایش و در نتیجه سرقت می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ۲۴۹).

## ۲-۲-۳- نقش رضایت در تخریب<sup>۱</sup> و احراق اموال

یکی از اقداماتی که ممکن است علیه اموال و مالکیت دیگران انجام شود، تخریب و احراق آنهاست. اصولاً این اعمال مجرمانه زمانی انجام می‌شوند که مرتکب نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد عین مال دیگری را به تصرف خود درآورد یا به خود اختصاص دهد و قصد دارد که با انجام عمل ارتكابی، مال دیگری را از بین ببرد و آن را تلف کند. تخریب عبارت است از «نابود کردن یا خسارت وارد آوردن عمدی به مال متعلق به غیر» (همان، ۱۳۹۵، ۱۹۹).

مواد ۲۶۷۵ و ۲۶۷۷ در ذیل عنوان فصل بیست و پنجم ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۷۰، احراق و تخریب اموال اعم از منقول و غیر منقول متعلق به دیگری را، جرم تلقی و برای آن مجازات مقرر کرده است. عدم رضایت متضرر از جرم یکی از عناصر تشکیل دهنده و رکن تحقق جرم محسوب می‌گردد، و رضایت پیش از وقوع جرم از ناحیه‌ی مالک مال، در ماهیت مجرمانه‌ی بزه مؤثر بوده، و موجب زوال مسئولیت کیفری و حقوقی مرتکب بزه می‌گردد. هنگامی که فردی با رضایت مالک، مال او را تلف کند، مسئولیت کیفری و مدنی منتفی خواهد بود. بنابراین هرگاه شخصی، بطور صریح اذن در اتلاف مال خود را بدیگری بدهد، با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی؛ «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup> و حدیث نبوی (ص)؛ «النَّاسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق ۲، ۲۷۲) و نیز قاعده‌ی تسلیط، تلف کننده‌ی مال، مسئول نخواهد بود، در حقیقت رضایت، خصوصیت بدون مجوز قانونی بودن تجاوز به قلمرو حقوقی دیگری را از بین می‌برد (قائم مقامی، ۱۳۷۴، ۲۰۹). ولی برخی از حقوق‌دانان معتقدند که مقنن، تخریب و تحریق اموال متعلق به دیگران را جرم، و مستوجب کیفر اعلام داشته است، بدین معنی که با ارتکاب بزه موصوف، به عنوان رفتار ضد اجتماعی و در جهت خلاف نظم همگانی، وظیفه‌ی مقامات عمومی به عنوان مجریان نظم و امنیت،

<sup>۱</sup> تخریب مال به معنی از بین بردن یا ناقص کردن عمدی اموال متعلق به دیگران است که برابر مقررات قانونی، قابل مجازات باشد. در قانون مدنی بر اساس قاعده‌ی اتلاف، حکم به جبران خسارت (مسئولیت مدنی) مُتَلَف می‌شود.

<sup>۲</sup> ماده‌ی ۶۹۵ مقرر می‌دارد: «هرکس عمدتاً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و بطور کلی هر محل مسکونی یا معدن برای سُکنا یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.»

<sup>۳</sup> ماده‌ی ۶۷۷: «هرکس اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب نماید، یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کاراندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

<sup>۴</sup> سوره‌ی نساء - آیه‌ی شریفه‌ی ۲۹

پیشگیری از وقوع جرم و اجرای مقررات قانونی در این زمینه است، لذا رضایت متضرر از جرم، نمی‌تواند ماهیت غیرقانونی بودن یک عمل را تغییر و عنصر تقصیر را بزدايد، البته شخص زیان‌دیده می‌تواند زیان‌های ناشی از تقصیر را ساقط کند (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۱۲۷).

### ۳-۳- تأثیر رضایت بزهدیده در ارتباط با جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی

جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی عبارت است از هرگونه روابط جنسی - که منتهی به وقوعه نگردد، و - ناشی از تمایل زن و مرد با یکدیگر که از مرز اخلاقی جامعه فراتر باشد، به نحوی که مورد قبول جامعه نباشد و به عنوان یک عمل ضد عفت و اخلاق عمومی، مردود و مستحق مجازات می‌باشد (ولیدی، ۱۳۸۰، ۵۲)، و وجود رضایت پیشین مجنی‌علیه، نمی‌تواند خصیصه مجرمانه‌ی آن را تغییر، و مسئولیت کیفری بزهکار را زائل گردانیده و یا از معاذیر قانونی معافیت از مجازات باشد. در ماده‌ی ۲۳۷ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است: «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه‌ی از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه‌ی شش است.» و تبصره‌ی ۱ ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد: «حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.» رضایت طرفین به وقوع چنین اعمالی، نمی‌تواند تأثیری در ماهیت مجرمانه‌ی بزه داشته، و موجب زوال مسئولیت کیفری مرتکبین بزه گردد. در حقیقت مراد مؤنث از ذکر تقبیل و ملامسه، ذکر مصادیقی تمثیلی است.

#### ۱- ۳-۳- تأثیر رضایت در جرم زنا

در اصطلاح عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه‌ی زوجیت بین آنها نبوده و از موارد شبهه نیز نباشد (ماده‌ی ۲۲۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). زنا مطابق مواد ۲۲۱ به بعد قانون مذکور با تحقق شرایط آن موجب مسئولیت کیفری زانی و زانیه می‌باشد، و رضایت بزهدیده (زن) به وقوع زنا، نمی‌تواند تأثیری در ماهیت مجرمانه‌ی بزه داشته و موجب سلب وصف مجرمانه از کیفیت جرم گردد، بنابراین رضایت مجنی‌علیه در مسئولیت کیفری تأثیری ندارد.

#### ۲- ۳-۳- نقش رضایت در جرم قوادی

قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است (ماده‌ی ۲۴۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). رضایت بزهدیده (زن یا مرد) به وقوع زنا یا لواط، نمی‌تواند تأثیری در ماهیت مجرمانه‌ی بزه داشته، و موجب سلب وصف مجرمانه‌ی عمل گردیده، و مسئولیت کیفری مرتکب بزه (قواد)، زائل گردد.

#### ۳- ۳-۳- نقش رضایت جرم تفخیز

در اصطلاح عبارت است از: «قرار دادن (یا مالیدن) اندام تناسلی مرد در بین ران‌ها یا نشیمن‌گاه

انسان مذکور(ماده‌ی ۲۳۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). و رضایت طرفین به وقوع چنین اعمالی، تأثیری در ماهیت مجرمانه‌ی بزه نداشته، تا وقوع جرم را منتفی، و موجب زوال مسئولیت کیفری مرتکب بزه گردد.

### ۴-۳-۳- نقش رضایت در جرم قذف

در قانون ق.م.ا. مصوبه‌ی ۱۳۹۲ در ضمن ماده‌ی ۲۴۵ در تعریف قذف آمده است؛ «نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مُرده باشد.» و همچنین ماده‌ی ۲۵۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ می‌گوید: «حد قذف، حق‌الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه‌ی مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.» طبق ماده‌ی فوق، قذف از جرائمی است که جنبه‌ی حق‌الناسی داشته، لذا رضایت مقذوف پیش از وقوع عمل مجرمانه نقش بسزائی داشته و رضایت وی در ماهیت مجرمانه‌ی بزه مؤثر بوده، و موجب زوال مسئولیت کیفری مرتکب بزه می‌گردد. اما ایرادی که بر نظریه‌ی یادشده وارد است این است که رضایت مقذوف و عفو وی پیش از وقوع عمل قذف، باعث سلب مسئولیت کیفری قاذف نمی‌گردد، زیرا در واقع از مصادیق قاعده‌ی ابراء مَا لَمْ یَجِبْ است، و به استناد قاعده‌ی مذکور، این رضایت باطل و بی اثر است.

### نتیجه‌گیری

اذن و سایر نهادهای حقوقی مشابه، آثار متفاوتی در تحقق جرم و مسئولیت کیفری و مدنی دارد، از مسائلی که راجع به زوال عنصر قانونی مطرح می‌شود، مسأله‌ی تأثیر اذن بزه‌دیده برای ارتکاب رفتار مجرمانه و تحقق جرم است.

در نظام حقوقی ایران، بدلیل این که اذن بزه‌دیده، با قواعد آمره‌ی قوانین حقوقی و جزایی و نیز اصول کلی حاکم بر آن ناسازگاری دارد، لذا اذن وی برای ارتکاب رفتار مجرمانه، فاقد اثر حقوقی بوده، در نتیجه مسئولیت کیفری بزه‌کار را از بین نمی‌برد، چون غرض از وضع قوانین و تشریح مجازات، تأمین نظم، مصالح و بقای جامعه می‌باشد. در نتیجه مقنن رضایت مجنی‌علیه را در ماهیت جرم انجام یافته، مؤثر ندانسته است، مانند رضایت در جرائم ناشی از مُنافی عفت و اخلاق عمومی.

اما مقنن در مواردی خاص، رضایت بزه‌دیده را بر ماهیت جرم مؤثر محسوب و آن را سبب معافیت از مجازات شمرده است، بدین ترتیب که گاهی رضایت یکی از ارکان اختصاصی تشکیل دهنده‌ی جرم را از بین می‌برد، و در مواردی شرط کافی برای اجازه‌ی ضمنی قانون یا عرف و عادت می‌گردد، که عمل را توجیه می‌کند.

### الف - حذف یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم

در جرائمی که عدم رضایت، از ارکان اختصاصی و عناصر تشکیل دهنده‌ی یک جرم بوده،

رضایت بزه‌دیده به دلیل زائل شدن یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی جرم، وصف مجرمانه‌ی عمل مرتکب را از بین می‌برد، و جرم علی‌الاصول تحقق نمی‌یابد، مانند جرائمی چون ورود به منزل دیگری، إحراق، تخریب و سرقت در صورتی که با رضایت مالک باشد، در این صورت بزه‌دیده نمی‌تواند مرتکب را تحت تعقیب قرار دهد.

### ب - رضایت بزه‌دیده، شرط ضمنی قانون

گاهی رضایت بزه‌دیده یک عامل موجهه‌ی جرم تلقی می‌شود، که آن ناشی از تجویز قانون‌گذار و فایده و مقبولیت اجتماعی و عرف می‌باشد، مانند ورزشکاری که در میداين ورزشی جهت شرکت در مسابقات ورزشی، حضور پیدا می‌کند.

در قوانین جزایی ایران، بر اساس ماده‌ی ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، مجنی‌علیه حتی در قتل می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از مرگ، حق قصاص را عفو کند، و اولیای دم پس از مرگ او حق مطالبه‌ی قصاص نفس یا دیه را ندارند، بنابراین قانون‌گذار برای عفو و رضایت مجنی‌علیه، اعتبار قائل شده است.

از نظر حکم تکلیفی، فقه‌های اسلامی اتفاق نظر دارند که اذن و رضایت مجنی‌علیه نسبت به قتل خویش، موجب سقوط حرمت قتل نمی‌شود، اما از نظر حکم وضعی، فقه‌های اسلامی سه نظر مطرح نموده و ادله‌ای جهت آنها ارائه کرده‌اند؛ (۱) اذن و رضایت مجنی‌علیه موجب سقوط قصاص و دیه نمی‌گردد. (۲) اذن و رضایت مقتول موجب سقوط قصاص و دیه می‌شود. (۳) اذن و رضایت مجنی‌علیه موجب سقوط قصاص و جایگزین شدن دیه می‌گردد.

با توجه به دیدگاه‌های متفاوت فقها و ادله‌ی هرکدام از آنان، به نظر می‌رسد ادله‌ای که بر نظریه‌ی بقای قصاص ارائه کرده‌اند، قوی‌تر باشد، زیرا ارتکاب قتل مشمول عمومات و اطلاقات قصاص نفس می‌گردد. اما در خصوص دیه، در صورت عفو مجنی‌علیه، آن نیز ساقط نمی‌گردد، زیرا تقدم مسبب از سبب لازم می‌آید، چون تا آخرین رمق حیات در وی باقی است، مالک دیه نمی‌باشد، تا آن را عفو نماید.

### پیشنهاد

بازنگری در قوانین و تطبیق آن با شرع مقدس اسلام و واقعیات اجتماعی، ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد، بنابراین قانون‌گذاران باید با کارشناسی اصولی و پشتوانه‌ی علمی، به اصلاح نواقص و کاستی‌های قوانین، اقدام نمایند، لذا پیشنهاد می‌گردد؛

(۱) به مراجع تقنینی در خصوص ماده‌ی ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ متذکر می‌گردد، که با توجه به عمومات و اطلاقات قصاص نفس، و عدم ناسازگاری آن با اصول کلی حقوق جزا و قواعد کلی حاکم بر حقوق کیفری، ماده‌ی فوق‌الاشعار مبنی بر جواز قتل با رضایت مجنی‌علیه، به وضع ماده‌ی-



۵۴ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ سابق<sup>۱</sup>، اصلاح شود.

۲) با توجه به تبصره‌ی ماده‌ی ۲۷۱۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که استمرار حیات جنین برای حیات مستقر مادر خطر داشته و یا در مواردی که جنین واجد اختلالات و ناهنجاری‌های ژنتیکی و ناقص الخلقه بوده، با استناد به قواعد نفی عُسر و حَرَج، مجوزی برای سقط جنین وجود داشته باشد، و این امر باید به تأیید یک گروه از پزشکان متخصص و متعهد برسد تا تمامی جوانب انسانی و اخلاقی و پزشکی آن مدنظر قرار گیرد.

## فهرست منابع

### القرآن الکریم

۱. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد، (۱۴۲۵ق)، *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، انتشارات دارالحدیث، قاهره
۲. ابن قدامه، عبدالله بن قدامه، (۱۴۱۹ق)، *المعنی*، دارالکتب العربی، بیروت
۳. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۹۸۹م)، *المقتنی فقه امام احمد بن حنبل*، مطبعة مجلة المنار الاسلامیة، القاهرة
۴. اردبیلی مقدس، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه‌ی قم، قم، چاپ اول
۵. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، *حقوق جزای عمومی*، انتشارات نشر میزان، تهران، چاپ چهل و هشتم
۶. باهری، محمد، (۱۳۸۱)، *حقوق جزای عمومی*، انتشارات رهام، تهران، چاپ اول
۷. بجنوردی، سید محمد، (۱۳۷۹)، *قواعد فقهیه*، نشر پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره)، تهران، چاپ سوم
۸. جزیری، عبد الرحمن - غروی، سید محمد - یاسر مازح، (۱۴۱۹ق)، *الفقه علی المناهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، انتشارات دار الثقلین، بیروت، چاپ اول
۹. جزیری، عبدالرحمن، (۲۰۰۳م)، *الفقه علی المناهب الأربعة*، انتشارات دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ دوم
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۵)، *ترمینولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ بیست و نهم
۱۱. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *فرهنگ عناصر شناسی حقوق مدنی - حقوق جزا*، انتشارات گنج دانش، تهران
۱۲. حاجی تبار فیروزجاهی، حسن؛ فلاح، امین (۱۳۹۶)، *حکم اکراه به قتل و مستندات آن در فقه امامیه و حقوق ایران*، فصلنامه‌ی پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ص ۷۲
۱۳. حائری، سیدعلی بن محمدطباطبایی، (۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل*، مؤسسه‌ی آل‌البت علیهم السلام، قم،

<sup>۱</sup> ماده‌ی ۵۴ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱؛ «با عفو مجنی‌علیه قبل از مرگ، حق قصاص ساقط نمی‌شود، و اولیای دم می‌توانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نمایند»

<sup>۲</sup> تبصره‌ی ۷۱۸؛ «هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.»

## چاپ اول

۱۴. حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی، (۱۴۰۷ق)، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول
۱۵. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۰ق)، *ارشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول
۱۶. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ق)، *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة*، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول
۱۷. حلی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۲۵ق)، *سرائح الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، مؤسسه‌ی دارالقاری، بیروت، چاپ یازدهم
۱۸. خمینی(امام)، روح اله الموسوی، (۱۳۸۳)، *تحریر الوسیلة*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ بیست و یکم
۱۹. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، *زبدة الأحكام*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول
۲۰. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، قم، چاپ دوم
۲۱. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۰ق)، *تکملة منهاج الصالحین*، انتشارات چاپخانه‌ی مهر، قم، چاپ بیست و هشتم
۲۲. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، انتشارات مؤسسه‌ی احیاء آثار الامام خوئی، قم، چاپ اول
۲۳. ساداتی، محمد مهدی، (۱۳۹۵)، *شرایط اعمال قاعده‌ی درأ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی*، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال ۸، شماره‌ی ۱۴
۲۴. ستار، حمزة بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ق)، *المراسم العلویة و الأحكام النبویة*، منشورات الحرمین، قم، چاپ اول
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۳ق)، *الأشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیة*، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول
۲۶. شافعی، محمد بن ادریس، (۱۹۴۰م)، *الأمة*، انتشارات دارالشعب، قاهره
۲۷. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۵)، *حقوق جزای عمومی*، شرکت انتشارات مجد و زوبین، تهران، چاپ اول
۲۸. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، *جرایم علیه اشخاص صدمات جسمانی*، نشر میزان، تهران، چاپ دوم
۲۹. صادقی، محمدهادی، (۱۳۸۰)، *حقوق جزای اختصاصی*، انتشارات میزان، تهران
۳۰. صانعی، پرویز، (۱۳۸۳)، *حقوق جزای عمومی*، انتشارات گنج دانش، تهران
۳۱. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۲۰ق)، *التخلاف*، مؤسسه‌ی نشر اسلامی، قم، چاپ دوم
۳۲. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۰۰ق)، *القواعد و الفوائد*، انتشارات کتابفروشی مفید، قم، چاپ اول
۳۳. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، انتشارات احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم
۳۴. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، *مسالك الأفهام الی تنقیح سرائح الإسلام*، مؤسسه‌ی المعارف

الاسلامی، قم، چاپ اول

۳۵. عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی، (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهی مدرسین حوزهی علمیه قم، قم، چاپ اول
۳۶. عطوی، مصطفی، (۲۰۰۱م)، *الاجهاض بین الشرع و القانون و الطب*، انتشارات مکتبه صادر، بیروت
۳۷. عوده، عبدالقادر، (بی تا)، *التشريع الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی*، مؤسسه الرساله، بیروت
۳۸. قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۷۴)، *حقوق تعهدات*، سازمان چاپ کیهان، تهران
۳۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، *حقوق مدنی - اعمال حقوقی - قرارداد - ایقاع*، دورهی مقدماتی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هشتم
۴۰. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، *مسئولیت مدنی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۴۱. کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود بن احمد، (۱۴۰۶ق)، *بلدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ دوم
۴۲. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، *حقوق جزای عمومی ایران*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سیزدهم
۴۳. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، *حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سیزدهم
۴۴. لنکرانی، محمدفاضل، (۱۴۲۱ق)، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب القصاص)*، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم
۴۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت
۴۶. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۲۹ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، دارالکتاب اسلامی، قم، چاپ اول
۴۷. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۴)، *قواعد فقه بخش مدنی*، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ چهل و ششم
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۲ق)، *بحوث الفقهیة هامه*، انتشارات نسل جوان، قم
۴۹. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۵)، *جرائم علیه اشخاص*، نشر میزان، تهران، چاپ چهل و پنجم
۵۰. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴)، *جرائم علیه اموال و مالکیت*، نشر میزان، تهران، چاپ چهل و پنجم
۵۱. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین، (۱۳۵۹ق)، *تحریر المجله*، المکتبه المرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول
۵۲. نووی، ابی ذکریا محی الدین بن شرف، (بی تا)، *المجموع فی شرح المهدب*، انتشارات دارالفکر، بیروت
۵۳. وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۸)، *منهاج الصالحین*، انتشارات مدرسهی امام باقر علیه السلام، قم، چاپ پنجم.
۵۴. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۰)، *حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی)*، مؤسسهی انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول

**References:***The Holy Quran*

۱. Ameli Javad ibn mohammad hosaini, (۱۹۹۰), *Meftah Al-Kerama fi Sharhe Ghavaed Al-Allama*, Islamic Publication, Qom
۲. Ameli (shaheed avval), Mohammad makki, (۱۹۸۰), *Al-Ghavaed va Al-Favaed*, Mofid Publication, Qom
۳. Ameli (shaheed sani), Zain Aldin ibn ali, (۱۹۹۰), *Al-Rawzah Al-Bahiyah fi Sharah Al-Lomaah Al-Demashqaiyah*, Dar Al-Ehya Al-Toras-Al-Arabi, Beirut
۴. ——— (—————), ——— (۱۹۹۹), *Masalek Al-afham ela Tamgheeh sharae Al- eslam*, Almaaref Al-eslami Publication, Qom
۵. Ardebili, Ahmad (۱۹۸۳), *Majma Al-faeda va Al- borhan fi sharh ershad Al- azhan*, Islamic Publication, Qom
۶. Ardebili, Mohammad ali (۲۰۱۶), *General Criminal Law*, Mizan Publication, Tehran
۷. Atvi, Mostafa, (۲۰۰۱), *Al- ejhaz bain Al- Share va Al- teb*, Maktabate sader Publication, Beirut
۸. Baheri. Mohammad (۲۰۰۲), *General Criminal Law*, Roham Publication, Tehran
۹. Bojnoordi, Mohammad, (۲۰۰۲), *Ghavaed Feghhiye*, Imam Khomeini Institute Publication, Tehran
۱۰. Ghaemmaghami, Abdolmajid, (۱۹۹۴), *Obligations rights*, Keyhan Print Organization, Tehran
۱۱. Goldouzian, Iraj (۲۰۱۱), *Special Criminal Law, Offences Against, Persons, Property, Security of The State and Public Tranquility*, Tehran University Publication, Tehran
۱۲. ———, ——— (۲۰۰۷), *General Criminal Law*, Tehran University Publication, Tehran
۱۳. Haeri, Ali Ibn Mohammad Tatabai, (۱۹۹۸), *Riaz Al- Masael, Al-Albayt (pbuh)*, Publication, Qom
۱۴. Hajitabar firooz jahi, H; Fallah, A, (۲۰۱۸) *Duress to Murder and its Documentations in Imamieh Jurisprudence & law of Iran*, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 13, ۴۷, ۷۲
۱۵. Helli, Hasan ibn yusof, (۱۹۹۰), *Ershad Al-azhan ela ahkam Al-eiman*, Islamic Publication, Qom

۱۶. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_, (۲۰۰۰), *Tahri Al-ahkam Al-shriah ala mazhabe Al-emamiyeh*, Imam sadegh (pbuh) Publication, Qom
۱۷. Helli, jamal Al- din, (۱۹۸۷), *Al-Mohazzab Al- bare fi sharhe Al-mokhtasar Al- nafe*, Islamic Publication, Qom
۱۸. Helli, Najm Al-Din Jafar Ibn Hasasn (۲۰۰۵), *Sh 'aria al-Islam fi Masael Al- haram va Al -halal*, Dar al-Ghari Institute, Beirut
۱۹. Ibn ghodameh, Abdollah ibn Ahmad (۱۹۸۴), *Almoghni*, Dar al-Alkotob Arabi, Beirut
۲۰. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_ (۱۹۸۹), *Almoghna fi Fegh emam ahmad ibn hanbal*, Al-menar Al- eslamia, Ghahere
۲۱. Ibn Roshd, Abolvalid, (۲۰۰۵), *Bedayat Al-Mojtahed va Nahayat Al-Moghtased*, Dar Al-Hadice Publication, Ghahere
۲۲. Jozayri, Abdolrahman-Gharavi, Mohammad- Yser Mazoh, (۱۹۹۹), *Al- Fegh Al-mazhab Al-arbae va mazhab Ahl Al-bayt (pbuh)*, Dar Alsaghalain Publicatio, Beirut
۲۳. Jozayri, Abdolrahman, (۲۰۰۳), *Al- Fegh Al-mazhab Al-arbae*, Dar Al-kootob Al- elmiye Publicatio, Beirut
۲۴. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (۲۰۱۶), *Law Terminology*, Ganje Danesh Bookstore, Tehran
۲۵. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_, (۲۰۱۶), *Dictionary of Recognition the Elements of Civil Rights - Criminal Law*, Ganje Danesh Bookstore, Tehran
۲۶. Kasani, Alaoddin (۱۹۸۶), *Badae Al-Sanae fi Tartib Al- Sharaee*, Dar Al- Kotob Al- Elmieh, Beirut
۲۷. katoziyan, Naser (۲۰۰۰), *Civil Law. Civil rights, legal acts, contracts and indictments, Foundation cours*, Publishing Joint Stock Company, Tehran
۲۸. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_ (۱۹۹۶), *Civil liability*, Tehran University Publication, Tehran
۲۹. Khonsari, Ahmab ibn yusof, (۱۹۸۵), *Jame Al- madarek fi sharhe Al-mokhtasar Al-nafe*, Esmaeelian Publication, Qom
۳۰. Khoiy, Seyyed Abolghasem (۲۰۰۲), *Mabani Takmalah Al-Menhaj*, Asar Al-Khoiy Institute, Qom
۳۱. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_ (۱۹۹۰), *Takmalah Al-Menhaj*, EhyaAsar Al- emam Khoiy Institute, Qom
۳۲. Khomeini Imam, Rouhollah, (۱۹۹۳), *Tahrir-Al-Vasileh*, Islamic Publication Institute, Qom
۳۳. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_, (۱۹۸۴), *Zobdah Al-Ahkam*, Publishing organization of Islamic propagation, Tehran,

۳۴. Lankarani, Mohammad fazel movahhedi (۲۰۰۱), *Tafseel Al- sharia fi sharh tahrir Al- vasilah (ketab Al- ghesas)*, Aemmah Athar Fiqh Center, Qom
۳۵. Majlesi, Mohammad bagher, (۱۹۸۳), *Behar Al-anvar*, Al-vafa Publication, Beirut
۳۶. Majlesi, Mohammad taghi, (۲۰۰۸), *Ruzat Al-mottaghin fi sharhe man la yahzarohil fagheeh*, Tehran
۳۷. Makarem shirazi, Naser, (۲۰۰۲), *Bohous Al-feghhiyah hammah*, Nasle javan Publication, Qom
۳۸. Mir Mohammad Sadeghi, Hosain (۲۰۱۵), *Offences Against Property*, Mizan Legal Foundation, Tehran
۳۹. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_ (۲۰۱۶), *Offences Against Persons*, Mizan Legal Foundation, Tehran
۴۰. Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa (۲۰۱۵), *Rulse of Jurrisprudence in Civil Division*, Center of Publication Islamic Sciences, Tehran
۴۱. Najafi Kashef Alghet, Mohammad hosain, *Tahrir Al- majalleh*, Mortazaviyeh Publication, Najaf
۴۲. Novi, Abi zakriya mohiyodin ibn sharaf, (No Date), *Al- Majmoo fi sharh Al-mihazzab*, Dar Al-fekr Publication, Beirut
۴۳. Ovdeh, Abdolghader, (No Date), *Al-tashrih Al-jenai Al-eslami mogharenan belghanin Al-vazi*, Alresala Publication, Beirut
۴۴. Sadati, Mohammad Mahdi, (۲۰۱۶), *Conditions of use dare in the Shiite jurisprudence and the Islamic Penal Code*, Journal of Jurisprudence and Islamic Law, Issue ۱۴
۴۵. Sadeghi, Mohammad hadi, (۲۰۰۱), *Special Criminal Law*, Mizan Publication, Tehran
۴۶. Sallar, Hamza ibn abdulaziz, (۱۹۸۴), *Al-Marasem Al-alaviye va Al-ahkam Al-nabaviye*, Alharamain Publication, Qom
۴۷. Sanei, Parviz, (۲۰۰۴), *General Criminal Law*, Ganje danesh, Publication, Tehran
۴۸. Shafei, Mohammad ibn edris, (۱۹۴۰), *Al-om*, Dar Al-shab Publication, Ghahere
۴۹. Shambayati, Houshang, (۱۹۹۶), *General Criminal Law*, Amjad and Zubin Publication, Tehran
۵۰. \_\_\_\_\_, \_\_\_\_\_, (۱۹۹۶), *Offences Against Persons -Physical Injuries*, Mizan Publication, Tehran
۵۱. Soyooti, Jalaloddin Abdolraahman Ibn Abibakr (۱۹۸۳), *Al-Ashbah Va Al-Nazayir fi Al-Ghawaeid Va Al- Furue Fegh Al-Shafeiye*, Dar Al-Kotob Al-Elmieh Publication, Beirut

- ۵۲. Tousi, Aboujafar Mohammad Ibn Hasan, (۲۰۰۰), *Al- Khelaf*, Nashr Eslami Publication, Qom
- ۵۳. Vahid Khorasani, Hosain, (۲۰۰۸), *Menhaj Al-salehin*, Emam bagher (pbuh) Publication, Qom
- ۵۴. Validi, Mohammad Saleh, (۲۰۰۱), *Special Criminal Law*, Dad Institute, Tehran

